

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵؛ ۴۵-۶۶

ارزیابی تأثیر مدیریت روستاها بر بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به زادگاه

خود، نمونه موردی جنگزده‌های شهرستان سرپل ذهاب

سمانه کیومرث^۱، سید امیرمحمد علوی زاده^۲، الهام ابراهیمی^۳

۱. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد ۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

دانشگاه پیام نور تهران ۳. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

(دریافت: ۹۷/۶/۱۵، پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۲)

چکیده

مهاجرت‌های روستایی از یک‌سو تحت تأثیر علل درهم‌تنیده و مختلفی‌اند و از سوی دیگر به پیامدهای گوناگونی منتج می‌شوند که جامعه بشری را به چالش کشیده‌اند؛ بنابراین، بررسی علل و پیامدهای این مهاجرت‌ها و تحلیل روابط بین آنها بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان این حوزه باشد. یکی از این عوامل جنگ است که عوارض و تبعات ناگواری بخصوص در کوچاندن مردم محلی به‌ویژه روستائیان دارد. نقش مدیریت روستایی در بازگشت مهاجران بسیار مهم است و نیاز به بررسی همه‌جانبه دارد. جامعه آماری این تحقیق مهاجران روستایی بازگشتی (زرینجوب، دستک‌علیا، سرابله و تپه رش‌کلاشی) در شهرستان سرپل ذهاب و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. نمونه مورد مطالعه ۱۵۰ نفر از مهاجران بازگشتی است. از آنجا که تعداد محدود بود، کل جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. پرسشنامه دربردارنده ۲۳ سؤال بود که پایایی آن از طریق فرمول کرونباخ به میزان ۰/۸۱ مورد تأیید واقع شد و روایی آن نیز از طریق ارائه به کارشناسان دانشگاهی تأیید گردید. این پژوهش براساس روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از شاخص سبک مدیریتی لیکرت هشت‌گزینه‌ای، به بررسی نقش مدیریت روستایی در تشویق و ایجاد انگیزه بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به زادگاه خود در تعدادی از روستاهای جنگزده شهرستان سرپل ذهاب پرداخته است و نتایج نشاندهنده آن بود که از سنجش ۵ شاخص مورد بررسی هیچ‌کدام در جایگاه ۳ یا بیشتر قرار نداشت و اکثراً بین ۲ تا ۳ و یک مورد یعنی تصمیم‌گیری کمتر از ۲ بود؛ بنابراین نتایج مشخص کرد که سبک و چگونگی مدیریت آن در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولین و برخورد با مهاجران حاکم باشد و همواره به نظر می‌رسد که در پایان هر اقدام مؤثر از نظرات مهاجران در جهت بهبود نحوه اجرا و تأثیرگذاری مؤثرتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بیشتر کرد و از آن جهت برای بهبود کارایی گام برداشت و از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی داشت. از طرفی در بررسی ارتباط بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشاندهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است به عبارت دیگر ارتباط مستقیمی بین شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ است و بیانگر این مطلب است و که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است و می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: جنگ تحمیلی، مدیریت، مهاجران، روستا، بازگشت، سرپل ذهاب..

مقدمه

اصولاً در تاریخ انقلابها، جنگها و قراردادهای سیاسی - اقتصادی، بزرگترین و بیشترین اثر را در بافت فرهنگی و فکری جامعه داشته است به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای از تغییر و تحولات ناشی از آنها برکنار نبوده است. از بین عوامل جنگ چه پیروزی و چه شکست ملتی را دربرداشته باشد، توانسته است مهمترین تأثیرات را بر روند حرکت آن جامعه داشته باشد و نقطه عطفی را در سیر تغییر و تحولات اجتماعی آن تشکیل دهد (مجله جهاد، ۱۳۶۱: ۲۴). در سراسر جهان بویژه بعد از جنگ جهانی دوم، مهاجرتهای روستایی به عنوان پدیده‌ای جمعیتی در عرصه‌های بین‌المللی مطرح شد. اگرچه گسترش این پدیده در آغاز طبیعی بود، بعد از گذشت چند دهه به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای در حال توسعه، غیرطبیعی تلقی شد. ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب شد روستاییان برای به‌دست‌آوردن فرصتهای بهتر به مناطق شهری مهاجرت کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۷: ۲۳).

توسعه روستایی فرایند ارتقای اقتصادی و اجتماعی مردم روستایی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیریهای سیاسی، رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است (کلور، ۱۹۹۷: ۲). یکی از مهمترین ابعاد توسعه روستایی و شاید بتوان گفت مهمترین بعد آن، مدیریت روستایی است که در هماهنگی فعالیتهای روستایی نقش بسیار مهمی برعهده دارد (لشنی پارسا، ۱۳۸۵: ۲). جوامع روستایی نیز همواره ضرورت وجود مدیری منطبق با احوال مختلف و نیازهای گوناگون خود را احساس کرده و کسی را طلبیده‌اند که برخاسته از درون جامعه و دارای رهبری آن جامعه باشد (وایت، ۱۹۸۰: ۳۵).

مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمانها و نهادها است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۷۶). بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان‌کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (قدیری‌معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۲۶). از زمانی که در مناطق روستایی فرایندهای سامانمند ساختاری حاکم شد، مفهوم مدیریت روستایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و به‌عنوان راهبرد در جهت رسیدن به توسعه روستایی مطرح شد (سریرام، ۲۰۰۷: ۳). مدیریت توسعه روستایی در ایران همانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمینی از گذشته دور تاکنون با چالشهای ساختاری و مسائل و مشکلات گوناگونی روبه‌رو بوده است. نظام مدیریت روستایی ایران در سالهای اخیر به لحاظ ساختارهای اقتصادی اجتماعی، دگرگونیهای پیچیده داشته است (بزی و هدایتی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). بررسی جنبه‌های گوناگون برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی و تصمیم‌گیری در رابطه با آن، نیازمند داشتن اطلاعات در مورد زمینه‌های تاریخی، وضعیت کنونی و پیش‌بینی وضعیت آینده محیط‌های روستایی است (صابری‌فر، ۱۳۸۱: ۵۱). هدف مدیریت توسعه روستایی ایجاد رابطه‌ای منطقی و تنظیم‌شده بین انسان و محیط برای

رسیدن به رضایتمندی و خشنودی در زندگی مردم مناطق روستایی است که در رأس آن وجود عنصری نهادی برای برنامه‌ریزی آینده و اداره امور کنونی روستا بویژه در سطح راهبردی و مدیریت کلان کشور ضروری است و این عنصر باید از طریق همکاری متعادل و فعال نیروهای بیرونی (دولت و بازار) و درونی، مردم محلی، تشکله‌ها و سازمانهای محلی و بازارهای محلی صورت گیرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۱). مدیریت توسعه پایدار روستایی، انسان را به‌عنوان ناظر و به لحاظ مبانی اخلاقی، انسان‌محور می‌داند و به لحاظ منطق و خرد به شبکه و ترکیب و به لحاظ طبیعت انسان به انسان خردمند و به لحاظ ساختار سیاسی به اصل واگذاری اختیار اعتقاد دارد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۱). ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی در ایران یکی از پدیده‌های رایج در دوره کنونی است. با توجه به اهمیت و پایدار بودن روستاها، که از محافظان محیط‌زیست، ذخایر گرانبهای تولیدات دامی و کشاورزی، مدافعان سرزمین در برابر مهاجمان مرزی، توزیع‌کنندگان متناسب فضایی جمعیت و مانند آن هستند، ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی بحرانهای متعددی را از جوانب مختلف برای کشور به وجود آورده است که رسیدگی به این موضوع و دستیابی به دلایل آن ضروری است. در گسترش این ناپایداری، عوامل متعددی دست‌به‌دست هم داده که یکی از این عوامل، سبک مدیریتی و برنامه‌ریزی است که در تسریع یا کند کردن روند مهاجرت و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی نقش داشته است (قنبری، ۱۳۹۶: ۴۵). با توجه به آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از سوی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، غرب کشور از منطقه عمومی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین جزء اولین مناطقی بود که توسط ارتش رژیم بعث اشغال شد و مردم این نواحی آواره کوه و دشت گشتند و عده‌ای هم اسیر یا مجروح شدند و یا به شهادت رسیدند. با عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر در خرداد ۱۳۶۰، رژیم بعثی عراق به دلیل ناتوانی نظامی و عمق بخشیدن به خطوط دفاعی خود و تظاهر به صلح‌طلبی، قسمت‌هایی از مناطق غرب کشور از جمله منطقه عمومی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین را تخلیه کرد و در مناطق سرکوب و مشرف بر منطقه استقرار یافت. با عقب‌نشینی عراق، بحث استقرار نیروها و بهسازی شهر سرپل‌ذهاب و روستاهای آن مطرح شد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱: ۱۸). نقش مهاجران در توسعه کشور و اجتماعات زادگاه خود، حائز اهمیت و توجه جدی است (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۲). در این میان بحث بازسازی و بازگشت مردمان مهاجرت‌کرده مطرح است که چگونه می‌توان این امر را بویژه در مناطق روستایی محقق ساخت که دیواره دفاعی هر کشور بخصوص در مناطق مرزی هستند و در این میان نقش مدیریت روستایی چگونه می‌تواند باشد. در نتیجه پژوهش ضمن بررسی سبک و شیوه برخورد مدیریتی با مهاجران روستایی جنگ‌زده، طبق سبک‌های چهارگانه لیکرت به بررسی رابطه همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران پرداخته است.

از این رو پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. مدیریت روستایی بر بازگشت مهاجران جنگی چه تأثیری دارد؟
 ۲. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت و کنترل با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۳. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص انگیزش با کدام یک از سبک‌های مدیریت مطابقت دارد؟
 ۴. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص برخورد - نفوذ با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۵. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص تصمیم‌گیری با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۶. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص اهداف اجرا و آموزش با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۷. بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده و رضایت همه‌جانبه مهاجران چه رابطه‌ای وجود دارد؟
 ۸. تجزیه و تحلیل شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت و کنترل با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
- هدف کلان مدیریت توسعه روستایی حرکت در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان و امکانات بالقوه و بالفعل روستا است تا همسو با بهبود وضعیت جامعه روستایی گام بردارد (طالب، ۱۳۷۶: ۶). مدیریت جدید روستایی، همان‌طور که راجرز می‌گوید دارای اصول اساسی چون پاسخگو بودن، عدالت‌محور، ایفاکننده نقش، دارای مشروعیت و جهتگیری برای افزایش مشارکت شهروندان روستایی، عرضه خدمات عمومی مناسب و بموقع و ایجاد احساس تعلق در شهروندان روستایی است که همگی این اصول، مدیریت توسعه روستایی را به حکمرانی خوب روستایی رهنمون می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۶: ۳۶). روش این مطالعه توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی، و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پرسشنامه است که براساس سبک‌های مدیریتی و رهبری لیکرت، تدوین و اجرا شده است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با این موضوع مطالعات مختلفی در داخل کشور انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آنها در جدول ۱ اشاره خواهد شد.

جدول ۱. مطالعات داخلی مرتبط با موضوع پژوهش

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
ارشاد و آقایی	۱۳۸۱	تصویری از مهاجرت در استان خوزستان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و موضوع مهاجرت بازگشتی	استان خوزستان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ از نظر مطالعه جابه‌جایی جمعیت و در مقایسه با دیگر استانهای کشور، جایگاه شایان توجهی داشته است. در این دهه استان خوزستان الگوی دیگری از مهاجرت را نشان می‌دهد که الگوی مهاجرت برگشتی است که مقطعی بوده است. هدف عمده توجه به الگوی کلاسیک مهاجرت مرحله‌ای و توجه بیشتر به الگوی مهاجرت بازگشتی است که در کشورهای جهان سوم چندان عمومیت ندارد؛ ولی در زندگی اجتماعی و اقتصادی وضع کنونی خوزستان مؤثر بوده است.
دریاباری	۱۳۸۶	بررسی پدیده مهاجرت و بازگشت جمعیت در مناطق جنگزده استان خوزستان	نتایج بیانگر این بود که منطقه مورد مطالعه طی ده سال ظاهراً مهاجرپذیر بوده اما به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از درون کوچندگان منطقه، مهاجران بازگشتی جنگ هستند که پیش از سال ۱۳۶۵ استان را ترک کرده و در سالهای دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به محل زندگی قبلی خود بازگشته‌اند بسختی می‌توان منطقه را طی این ده سال مهاجرپذیر به‌شمار آورد.
دانشور کاخکی و همکاران	۱۳۸۸	نقش مدیریت در عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان خراسان رضوی	نتایج بیانگر بیشترین تأثیر در عملکرد جو و گندم به متغیر خلاقیت و نوآوری مربوط می‌شود.
تقدیسی و احمدی شاپورآبادی	۱۳۹۱	بررسی مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی	نتایج نشان‌دهنده این بود که یکی از مهمترین چالشهای توسعه روستایی از دیدگاه توسعه پایدار در ایران، مهاجرت نیروی انسانی از نواحی روستایی است که موجب تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی و پیرتر شدن شاغلان کشاورزی شده و به همین دلیل فضاهای روستایی وضعیت ناپایداری را نشان می‌دهد.

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
رستمعلی زاده و قاسمی اردهال	۱۳۹۱	بررسی آثار و پیامدهای جمعیتی-اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران	نتایج نشان داد نتیجه این رویداد در درازمدت می‌تواند تعادل شاخصهای توسعه‌ای استانها را برهم بزند. هنوز هم تمایل به برون‌کوچی در میان نخبگان مناطق جنگی و از جمله خوزستان وجود دارد؛ بنابراین می‌توان با ارائه امکانات و افزایش جاذبه‌های زندگی و آینده روشن در این مناطق از میزان مهاجرت از این مناطق کاست. هم‌چنین مهاجرت‌های جنگی زمینه‌ساز انزوای اجتماعی مهاجران اجباری در مقصدها و عدم انطباق آنان با محیط جدید بوده است که این امر اختلافات اجتماعی و فرهنگی آنها را با بومیان باعث شد. با در نظر گرفتن تنشها بین مهاجران جنگی و افراد بومی، مهاجران نسبت به اهالی بومی و بومیان نسبت به مهاجران جنگی دارای افکار متعارض بودند.
منافی آذر و همکاران	۱۳۹۶	مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میاندوآب	مهاجرت بازگشتی فرایند مهاجرت از روستا به شهر و اقامت نسبتاً طولانی در آنجا و سپس بازگشت به موطن روستایی است. عوامل مختلفی در این فرایند تأثیر دارد و مهاجران بازگشته در تحولات روستا نقش ایفا کرده‌اند. تحقیق با هدف بررسی عوامل مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر نواحی روستایی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کمی صورت پذیرفت. نتایج تحلیل عاملی نشان داد عوامل مختلفی در بازگشت مهاجران نقش داشته است که از بین آنها عامل اقتصادی و عمرانی - اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بین عامل بارگذاری شده به خود اختصاص داده، و عامل فرهنگی - قومی کمترین تأثیر را بین عاملها داشته است. نتایج تحلیل مسیر تأثیرات بازگشت مهاجران در روستاها، نشان داد مهاجران بازگشته بیشترین تأثیر را در شاخصهای عمرانی - کالبدی و کمترین پیامد را در شاخص اجتماعی داشته‌اند.

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
سلمانی و جاسبی	۱۳۹۴	روند مهاجرت روستا - شهری بعد از وقوع جنگ تحمیلی مطالعه موردی: دهستان نصرآباد، شهرستان قصرشیرین	سکونتگاه‌های شهرستان قصرشیرین یکی از نواحی است که در دوره جنگ تحمیلی دچار آسیب‌های جدی شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تکمیل ۱۰۵ پرسشنامه خانوار در شش روستای شهرستان قصرشیرین جمع‌آوری شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طی سالیان اخیر بعد از وقوع جنگ تحمیلی به علت فقر و عدم برخورداری بسیاری از این روستاها از تسهیلات رفاهی - خدماتی و همچنین فرار از بیکاری و به دست آوردن شغل و درآمد، رهسپار مراکز شهری پیرامون روستاهای خود و شهرهای بزرگ کشور شده‌اند.

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

جنگ تحمیلی و مهاجرت

جنگ‌ها علاوه بر خسارتهایی که در زمان وقوع بر جای می‌گذارند، پیامدهای درازمدت‌تری نیز در جامعه دارند که بعضاً از آثاری که در زمان وقوع بر جای گذاشته‌اند، مهم‌تر و عظیم‌تر هستند. بر این اساس ضرورت دارد که تمامی آثار و پیامدهای جنگ‌ها مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با وجود گذشت بیش از ۲۵ سال از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، متأسفانه آثار و پیامدهای بلندمدت این پدیده آن‌گونه که بایسته و شایسته آن بوده مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است؛ لذا جا دارد دانش‌های متعدد بویژه علوم اجتماعی همچون علوم جغرافیایی، جامعه‌شناسی و اقتصاد و مانند آن، پیامدهای طولانی‌مدت جنگ را در نواحی جنگ‌زده بررسی کنند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در این بین، اثر مهاجرتی یکی از ابتدایی‌ترین پیامدهای جنگ است. مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جمعیت‌شناختی و یکی از جنبه‌های تحلیل جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵: ۶۵). مردمی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند برای دوری از خطر و حفظ جان و مال خود به مهاجرت به مناطق امن‌تر اقدام می‌کنند؛ بنابراین جنگ‌ها به دنبال خود مهاجرت‌های ناخواسته‌ای را برای مردم مناطق جنگی ایجاد می‌کنند. در چنین وضعیتی، مهاجرت، که همواره با خود حتی در شیوه معمولش آثار و پیامدهایی برای مهاجران و مقاصد مهاجرتی دارد، این تأثیرات را برای مهاجران جنگی به دلیل اجباری بودن به پیامدهای گسترده‌ای تبدیل می‌کند. حال با توجه به

حذف انگیزه‌های رایج مهاجرت و ورود اجبار و فراهم نبودن زیربناها و شرایط در مقصد مهاجرت و عدم آمادگی ذهنی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ... مهاجران، این پیامدها شکلی فاجعه‌بار پیدا خواهد کرد. در کنار این به دلیل حجم زیاد مهاجران، این مهاجران در تضاد با ساکنان بومی قرار می‌گیرند.

در جنگ تحمیلی نیز ما شاهد سیل عظیمی از مهاجرت‌ها و حرکت‌های جمعیتی بودیم. تخریب وسیعی که با تجاوز ارتش عراق به خاک ایران صورت گرفت، موجب شد تا موج گسترده‌ای از اهالی این مناطق با از دست دادن زندگی خود، آواره و ناگزیر به ترک دیار شوند. آنها به صورت گروهی یا خانوادگی در شهرک‌هایی که از قبل و با عجله آماده شده بود، اسکان یافتند و بتدریج به سمت مناطق امن‌تر کشور مهاجرت کردند. به دلیل این حالت بحرانی، بیش از پنج میلیون نفر خانه و شغل خود را از دست دادند و ۲/۵ میلیون نفر مجبور به مهاجرت به مناطق غیرجنگی شدند. بر اساس آمارهای بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی، یک میلیون و دویست هزار نفر از مهاجران مستقیماً در ۳۶۰ اردوگاه در ۲۷ استان کشور ساکن شدند و قریب به یک میلیون نفر نیز در محله امن دیگری با مساعدت آشنایان و خویشاوندانشان جای گرفتند (امین‌صارمی، ۱۳۷۷: ۲۰۸). در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ و یکی دو سال بعد از آن نیز شروع و ادامه جنگ تحمیلی که همراه با بمباران مراکز جمعیتی بود بر نابسامانیهای مهاجرتی افزود و تمام استانهای غربی کشور را مهاجرفرست کرد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

فرایند مهاجرتی حاصل از جنگ تحمیلی بعد از پایان جنگ و تقریباً تا دو دهه بعد از آن نیز همچنان ادامه داشته و زنجیره مهاجرتی بین مناطق جنگی و مناطق مهاجرپذیر در زمان جنگ را به وجود آورده است. بعد از جنگ نیز همواره بر میزان مهاجرفرستی استانهای خوزستان، ایلام، کردستان و کرمانشاه افزوده شده است. این یکی از پیامدهای مهاجرتی جنگ تحمیلی است که تا امروز نیز ادامه یافته است. علاوه بر این در دهه‌های بعد از جنگ با اینکه استانهای جنگ‌زده کشورمان میزان جوانی جمعیت در سطوح متوسط به بالا دارند که در نتیجه آن باید از متوسط رشد جمعیتی زیادی برخوردار باشند، متوسط رشد سالانه جمعیت آن مناطق بسیار کم، و پایین‌تر از میانگین کشوری است. این وقایع جمعیتی را می‌توان به مهاجرت‌ها نسبت داد؛ بنابراین یک مسئله مهم در این مناطق، خروج جمعیت بومی از این مناطق است که از زمان جنگ شکل گرفته و نشاندهنده این است که با گذشت دو دهه از جنگ، هنوز انگیزه‌های ماندگاری همچون انگیزه‌های اجتماعی، اقتصادی و غیره در این مناطق تقویت نشده است؛ بنابراین نیاز به کار در این عرصه‌ها شدیداً احساس می‌شود تا در نتیجه آن بتوان جمعیت را در این مناطق حفظ کرد و تا حدودی بتوان از پیامدهای منفی دنباله‌دار مهاجرت‌های جنگ تحمیلی کاست (اسمعیلی‌زاده و اردهالی، ۱۳۹۰: ۷۶).

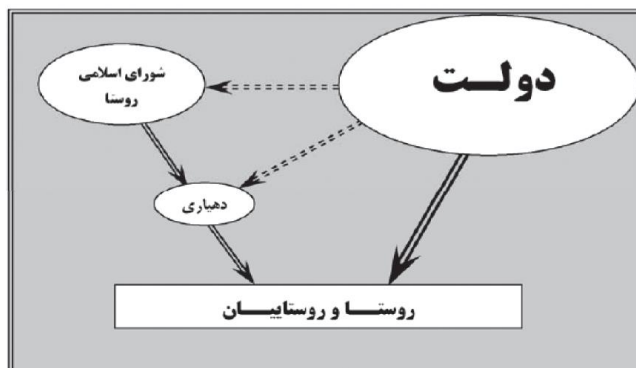
تعریف مدیریت

موضوع اندیشه اداری و دانش مدیریت و بویژه هدایت و رهبری، همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۸۷: ۵). در منابع علمی، تعاریف متعددی از مدیریت ارائه شده است. عده‌ای مدیریت را هنر اجرای کارها به‌وسیله دیگران توصیف، و بر نقش دیگران و قبول از سوی آنان تأکید کرده‌اند. گروهی مدیریت را علم هماهنگی کوشش‌های اعضای سازمانها و استفاده از منابع برای رسیدن به اهداف معین توصیف کرده‌اند (الوانی، ۱۳۷۷: ۱۷). در مجموع می‌توان گفت مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی و سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول قرار می‌گیرد (خسروی، ۱۳۹۵: ۴۹).

مدیریت روستایی و نهادهای اثرگذار در آن

با توجه به تعریف مدیریت، می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست (دربان‌آستانه، ۱۳۸۴: ۱۵). نظام مدیریت روستایی در ایران طی سالها به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونیهای پیچیده‌ای داشته است و خلأ مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی دوره‌ها بویژه در دهه‌های اخیر مشکلات فراوانی را برای روستاییان ایجاد کرده است. روستاها به‌منزله مکانهای تولیدی خاص با شیوه زندگی و فعالیتهای متفاوت نسبت به شهرها، نیازمند الگوی مدیریتی جدا و منطبق با اوضاع اقتصادی - اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستاها هستند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱).

با توجه به اینکه درصدی از کارکردها به تأمین سرمایه لازم برای اجرای طرحها و برنامه‌های روستایی مربوط می‌شود، می‌توان مدیریت روستایی و برنامه‌ریزی روستایی در سطوح کلان و خرد را مهمترین عامل توسعه روستایی مطرح کرد (نرگسی قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۷). توانمندیهای محیطی و سبک مدیریت، بستر الگوهای استقرار سکونتگاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌کند و ساختار فضایی هر مکان، تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است (Coats & others, 1997: 259-238)؛ بنابراین اگر قرار باشد در روستایی، تغییرات مؤثر و پایدار به‌وجود آید، فرهنگ مدیریت آن روستا باید دستخوش تغییر شود؛ بنابراین مدیران روستایی با بهره گرفتن از سبک مدیریت متناسب می‌توانند خود را از بند راه‌حلهای گذشته رها و راه‌حلهای جدیدی برای روستا و پیشرفت آن فراهم کنند (Lau and Nago, 2004: 685-703).



شکل ۱. ساختار مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی در ایران

مأخذ (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

تجربیات گذشته مدیریت روستایی و حضور مستقیم دولت در کارهای اجرایی روستاها نشانگر این است که به دلیل پراکنش گسترده جغرافیایی و چگونگی استقرار مکانی در مناطق مختلف کشور، مدیریت و حل و فصل مسائل روستاها به صورت متمرکز و توسط نهادهای دولتی به هیچ وجه دارای توجیه عقلی و اقتصادی نیست؛ از این رو عرضه خدمات دولتی به لحاظ پراکندگی جمعیت روستایی، مستلزم واگذاری فعالیتهای خدمات رسانی دولت به سازمان و نهاد محلی است. وجود مدیریت واحد روستایی در تأمین مشارکت مردم و به کارگیری توان و استعداد نهفته آنان در توسعه نقش مؤثری دارد به طوری که وجود نهادهای مختلف در مشارکت روستایی باعث سردرگمی روستاییان برای دخالت در روستا خواهد شد. اگر به توسعه روستایی با نگرش بلندمدت و پایدار می‌اندیشیم، باید اذعان کرد که سنگ بنای توسعه پایدار روستایی بر مشارکت مردم استوار است و به همین دلیل تدبیر حکم می‌کند که متولیان توسعه روستایی توجه و پرداختن به نهادهای محلی را وجهه همت خویش قرار دهند؛ زیرا هر یک از نهادها چون قانونی برای توسعه می‌اندیشد، تلاش و پیگیری، و سرمایه‌های فکری، مادی و مردمی را فعال و هدایت می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۶: ۱۵).

نهادهای مؤثر در مدیریت روستایی

شوراهای اسلامی روستا

توسعه پایدار روستایی شامل فرایند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که برای افزایش رفاه طولانی مدت در کل جامعه طراحی می‌شود (Moseley, 2003: 125). یکی از ابزارهای رسیدن به توسعه پایدار روستایی را می‌توان تشکیل گروه‌های سازماندهی شده (Yarwood, 2002: 8) همانند شوراهای اسلامی دانست. بحث شوراها در ایران از حیث تاریخی به قبل از انقلاب اسلامی

برمی‌گردد. در اصول ۹۰ تا ۹۳ قانون اساسی مشروطیت، موضوع شوراهای محلی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شده است. پیشینه قانون شوراها یا به تعبیر آغازین خود انجمن‌های بلدی به تشکیل نخستین نهاد قانونگذاری (مجلس شورای ملی) می‌رسد؛ به عبارت دیگر یکی از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، قانون بلدی است که در سال ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و به این ترتیب یکی از آرمانهای بزرگ انقلاب مشروطه جامه عمل پوشید. مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی از مفاهیم مهم و بارز است که تحقق تفکر و نظام شورایی را فراهم می‌سازد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جهاد سازندگی و هم‌چنین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، روستاییان با نهادهای تازه انقلاب آشنا شدند. گروه‌های مختلف سیاسی نیز با توسل به «شورا» هر یک به نوعی در صدد بودند تا با طرح تشکیلات شورایی در روستاها، ضعف ارتباطی بین دولت و ده را احیا کنند که در جریان انقلاب شدیداً لطمه خورده بود احیا کنند (طالب، ۱۳۷۷: ۱۱).

شوراهای اسلامی از نهادهای محلی است که پس از تصویب تشکیلات شوراهای اسلامی کشور در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ در استانهای کشور برپا شده است. بنا به ضرورت تشکیل شوراها بویژه در روستاها به منظور بهسازی و بهبود وضعیت روستاییان با اصرار جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۱ ضمن تصویب طرح «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری»، جهاد سازندگی مسئول تشکیل شورای روستایی با همکاری وزارت کشور شد. با تصویب «قانون انتخابات شورای اسلامی» در سال ۱۳۶۵ برگزاری انتخابات شوراها در شهر و روستا به وزارت کشور واگذار، و وظایف جهاد سازندگی حذف شد؛ ولی به علل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، اجرای این قانون امکان‌پذیر نشد (وثوقی، ۱۳۷۷: ۲۶۰). در سال ۱۳۷۵ با تصویب «لایحه قانونی تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و شهرداریها» در مجلس و اجرای انتخابات شوراها در سطح شهرها، شهرکها، روستاها و بخشها در هشتم اسفند سال ۱۳۷۷، شوراها در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به‌طور رسمی کار خود را شروع کردند. وجود نظام اداری، در کشور موجب شده است از سال ۱۳۴۲ تاکنون در هر دوره با توجه به برنامه‌ریزی بخشی اینکه انجمن ده و یا شورا را چه سازمانی سرپرستی می‌کند، بین وظایف شوراها با کارکرد آن سازمان تداخل به وجود آید (طالب، ۱۳۷۳: ۱۳-۳).

برنامه‌ریزان سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸) با تشکیل شوراهای اسلامی در پی دستیابی به این اهداف بودند: اجرای سیاست عدم تمرکز، سپردن کارهای عمرانی و اقتصادی و رفاهی به مردم، سرعت بخشیدن به جریان کارها، رفع تبعیض، نظارت اجتماعی، تکمیل کار دستگاه‌های دولتی، هدایت و رهبری برنامه‌های محلی، آگاه‌سازی مردم و افزایش توان دولت (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۷۶).

توسعه مناطق روستایی به‌منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم طراحی شده

است. این رویکرد در پی گسترش دادن منافع توسعه بین همه گروه‌های روستایی از جمله طبقه محروم است که در نواحی روستایی در پی گذران زندگی هستند (World Bank, 1975: 3).

دهیارها

دهیاری نهادی عمومی و غیردولتی است که به منظور اداره روستا تأسیس می‌شود. ماده واحده قانون تأسیس دهیارهای خودکفا در کشور مصوب ۱۳۷۷/۴/۴ چنین مقرر می‌دارد: «به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمانی به نام دهیاری با توجه به موقعیت محل با درخواست اهالی و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در این روستاها تأسیس کند» (اکبری و عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۳۵). تأسیس دهیاری در واقع سرآغاز ایجاد مدیریت محلی در روستاهای کشور است. دهیاری ارتباطی دوجانبه با مردم و دولت دارد. ارتباط دهیاری با دولت از طریق نزدیکترین سطح حکومتی ناظر بر دهیارها یا به عبارتی کوچکترین سطح نمایندگی دولتی یعنی بخشدارها انجام می‌شود. شورا نیز به عنوان نهاد مدنی، دهیاری را با مردم پیوند می‌زند. شورا وظیفه دارد دهیار را براساس ضوابط و مقررات انتخاب کند، اما حکم دهیار به وسیله بخشدار صادر می‌شود. ایجاد این نهاد محصول تحولات نیمه دوم دهه ۷۰ در ایجاد نهادهای مردمی و شورایی است. دهیار طبق ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیارها مصوب ۱۳۸۰ موظف است فرمانها و قوانین دولتی را اعلام، و مصوبات شورای اسلامی روستا را اجرا کند؛ با نیروی انتظامی همکاری کند و در حل اختلافات عمومی، حفظ نظم عمومی، اجرای مقررات نظام وظیفه، نگهداری و حفظ تأسیسات عمومی و عمرانی، حفاظت از اموال و داراییهای روستا و اجرای مقررات بهداشتی، حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط کوشا باشد. هم چنین دهیار موظف است با سازمانها و نهادهای دولتی به منظور اداره بهتر روستا همکاری کند (نعمتی و بدری، ۱۳۸۶: ۵).

موقعیت منطقه مورد مطالعه

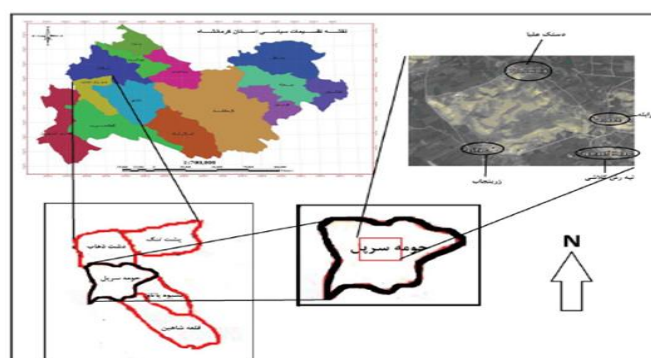
شهرستان سرپل ذهاب با مساحت ۱۲۷۱ کیلومتر، ۵/۲ درصد از مساحت کل استان کرمانشاه را دربر می‌گیرد. شهرستان سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۰ با جمعیت ۸۵۶۱۶ نفر در ۳۰ کیلومتری شرق قصرشیرین از شمال به شهرستان ثلاث باباجانی از شرق به شهرستان دالاهو از غرب به شهرستان قصرشیرین و از جنوب به شهرستان گیلان غرب محدود است. این شهرستان، ۱۶ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد که از شمال رودخانه قوره تو شروع می‌شود و تا میله مرزی شماره ۶۰/۲ در هوان ادامه دارد (حیدری فر و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۶). این شهرستان دارای سابقه باستانی و تاریخی متعلق به دوران تمدن حکومت‌های ماد، پارت، هخامنشیان، ساسانیان و دوره اسلامی و بیش از ۳۲

اثر ثبت شده مربوط به این دوره‌ها است که از جمله آنها می‌توان نقش برجسته آنوبانونی در محله میانکل را نام برد. از گذشته‌های دور، علت نامگذاری شهرستان از دو واژه ذهاب به معنای رفت و آمد و زهاب به معنی چشمه و سراب و محل زایش و جاری شدن آب فراوان گرفته شده است و امروزه از هر دو واژه در نوشته‌ها و مکاتبات استفاده می‌شود. از نامهای قدیمی آن می‌توان به حلوان اشاره کرد که واژه‌ای است عربی و در وجه نامگذاری آن نقل است که این شهر در دوره حکومت اسلامی به حاکم آن به نام حلوان منصوب شده است و نیز به لحاظ سابقه مبارزات سیاسی قبل از انقلاب اسلامی و فعالیت چشمگیر مردمان و جوانان مذهبی و متدین آن در راستای پیروزی انقلاب به قم ثانی تعبیر، و در دوران ۸ سال دفاع مقدس به مشهد مظلومان فاتح اطلاق می‌شود که از افتخارات این شهرستان است. در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱، ارتش عراق به خاک ایران حمله، و در روزهای اول جنگ سرپل ذهاب را تصرف کرد. اگرچه ارتش عراق در روزهای آغازین جنگ وارد سرپل ذهاب شد، نیروهای مردمی و ارتش ایران در زمانی اندک به مقابله برخاستند که نتیجه آن ده عملیات جنگی بود که مستقیماً در منطقه مطالعاتی این پژوهش صورت گرفت که از مهر ۱۳۵۹ تا اسفند ۱۳۶۶ به طول انجامید. در ۶۷/۵/۲۹، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ جنگ رسماً پایان یافت (<http://www.mohsenifoundation.org/article/bastan-shenasi-e-jang>).

سرپل ذهاب در طول جنگ بیش از ۵۰ بار هدف آتش توپخانه و بمباران هواپیماهای ارتش عراق قرار گرفت که ۱۱۲ تن شهید و ۳۶۹ تن مجروح شدند.

در اثر جنگ تحمیلی ۶۵۰۰ واحد شهری و ۲۱۲ روستا با ۸۰۰۰ واحد روستایی تخریب و با ۷۹۷۶ فقره خسارت کشاورزی وارد شد (<http://www.bazideraz1404.ir/node/130118>).

در این پژوهش روستاهای مورد مطالعه (زرینجوب، دستک‌علیا، سرابله و تپه رش کلاشی) واقع در دهستان حومه سرپل بخش مرکزی شهرستان سرپل ذهاب قرار گرفته‌اند. شکل ذیل موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد:



شکل ۲. موقعیت روستاهای مورد مطالعه

روش پژوهش

تحقیق، توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پرسشنامه بوده است که براساس سبک‌های مدیریتی و رهبری لیکرت، تدوین و اجرا شده است که در واقع هشت شاخص سازمانی در طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری حدود ۱۵۰ نفر از مهاجران روستایی بازگشتی (زرینجوب، دستک‌علیا، سرابله و تپه رش کلاشی) در شهرستان سرپل‌ذهاب بودند. از آنجا که تعداد محدود بود، کل جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. پرسشنامه دربردارنده ۲۳ سؤال بود که پایایی آن ۰/۸۱ با آلفای کرونباخ به‌دست آمد و روایی سنجی از سوی چندین نفر از متخصصان دانشگاهی صورت گرفت و هم‌چنین ضریب همبستگی پیرسون تدوین و اجرا شد. برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت، طبق نظر لیکرت به بررسی چهار ویژگی (طی چهار سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل به این صورت است: تعداد پاسخ‌دهنده ضربه‌در امتیاز شده و تمام چهار گزینه با یکدیگر جمع و بر تعداد پاسخگو تقسیم می‌شود.

جدول ۲. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از لحاظ شاخص مدیریت

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۹۷۸	۳/۵۰	۳/۴	۷	۲۵/۴	۴۰/۸	۲۳/۴	اعتماد مسئولان به مهاجران
۰/۹۹	۳/۸۵	۴/۵	۹/۳	۲۹/۶	۴۴/۲	۱۲/۴	اعتماد مهاجران به مسئولان
۱/۰۷	۳/۸۸	۳/۱	۷/۳	۱۷/۵	۴۶/۵	۲۵/۶	رفتار حامیان مسئولان با مهاجران
۱/۰۸	۳/۵۶	۴/۲	۸/۲	۱۴/۱	۴۱/۷	۳۱/۸	امکان بحث آزادانه با مسئولان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۲ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر مدیریت، تمامی گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و بسیار زیاد بوده است که این مسئله حاکی از اعتماد متقابل بین مهاجران و مسئولان در زمینه مورد پذیرش قرار گرفتن و در نتیجه در کارایی برنامه‌های اجرایی مربوط مؤثر خواهد بود. با توجه به نتایج برای چهار ویژگی نام‌برده شده به‌طور کلی پرسش‌شوندگان از نظر شاخص مدیریت، مسئولان خود را با میانگین ۲/۵۵، مطابق با سبک سه لیکرت و بسیار متمایل به سبک دو لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و بسیار متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص انگیزش با کدام یک از سبکهای مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی به مناطق جنگزده از نظر شاخص انگیزش طبق نظر لیکرت به بررسی هشت ویژگی (طی هشت سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۳. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص انگیزش

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۹۹	۳/۶۱	۱۸/۹	۲۹/۳	۳۲/۱	۱۵/۸	۳/۹	میزان ایجاد انگیزه
۱/۰۱	۳/۶۲	۳/۷	۷/۳	۳۲/۱	۳۸	۱۸/۹	ایجاد انگیزه توسط تشویق
۱/۰۶	۳/۵۳	۳/۱	۱۰/۱	۲۸/۲	۳۸/۳	۲۰/۳	ایجاد انگیزه توسط تنوع
۱/۱۲	۳/۷۶	۶/۲	۸/۲	۳۱/۶	۳۳/۸	۲۰/۳	گرایش مطلوب مهاجران به زندگی
۱/۱۹	۳/۹۲	۴/۵	۷/۶	۲۰/۶	۴۱/۱	۲۶/۲	احساس شوق در مهاجران
۱/۰۱	۳/۴۷	۴/۵	۹/۹	۱۰/۴	۳۸/۶	۳۶/۲	گرایش دوستانه مهاجران به مسئولان
۰/۹۹	۳/۵۰	۵/۹	۱۲/۷	۲۴/۸	۳۵/۸	۲۰/۸	گرایش نامطلوب به مسئولان به دلایل مختلف
۱/۱۳	۳/۵۲	۷/۹	۱۰/۱	۲۹/۳	۳۷/۷	۱۴/۹	رضایت از عوامل اجرایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۳ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر انگیزش، بیشتر گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده که این مسئله حاکی از وجود انگیزه در مهاجران و تلاش مسئولان در ایجاد انگیزه بیشتر بین مهاجران است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با توجه به نتایج هشت ویژگی نام برده شده به‌طور کلی پرسش‌شوندگان از نظر شاخص انگیزش، مسئولان خود را با میانگین ۳/۴۷، مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولین از نظر شاخص انگیزش سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی بسیار متمایل است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص برخورد - نفوذ با کدام یک از سبکهای مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص نفوذ، طبق نظر لیکرت به بررسی سه ویژگی (طی سه سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۴. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص برخورد - نفوذ

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۱/۱	۳/۴۲	۸/۲	۱۶/۹	۱۸/۶	۴۶/۶	۹/۹	میزان همکاری با مسئولان
۱/۱۱	۳/۳۲	۵/۴	۵/۶	۲۰/۸	۴۷/۹	۲۰/۲	میزان نفوذ مسئولان
۱/۰۲	۳/۷۲	۵/۱	۵/۹	۱۸/۹	۴۳/۷	۶۵/۵	میزان اثرگذاری مهاجران به مسئولان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۴ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر برخورد و نفوذ، تمامی گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و بسیار زیاد بوده که این مسئله حاکی از میزان همکاری متقابل بین مهاجران و مسئولان است و موجب می‌شود تا مدیران روستایی برای رسیدن به اهداف انگیزه پیدا کنند. با توجه به نتایج سه ویژگی که نام برده شد به‌طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص برخورد - نفوذ مسئولان خود را با میانگین ۲/۴۱ مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص برخورد - نفوذ، سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی متمایل است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص تصمیم‌گیری با کدام یک از سبکهای مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی از نظر شاخص تصمیم‌گیری طبق نظر لیکرت به بررسی پنج ویژگی (طبق ۵ سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۵. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص تصمیم‌گیری

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۱/۰۵	۳/۸	۳۵/۲	۲۹	۲۳/۱	۷/۹	۴/۸	میزان تصمیم‌گیری مهاجران در انتخاب شیوه‌های برخوردی خود برای مسئولان
۱/۱۴	۲/۱۸	۳/۹	۱۴/۶	۳۲/۴	۳۲/۴	۱۶/۶	وجود اطلاعات صحیح چگونگی تصمیم‌گیری در انتخاب چگونگی برخورد
۱/۰۵	۳/۴۳	۴/۵	۹	۳۱/۸	۳۷/۷	۱۶/۹	آگاهی تصمیم‌گیران با مشکلات در زمینه برخورد با مهاجران
۱/۰۲	۳/۵۳	۶/۸	۱۲/۱	۲۹/۳	۳۵/۵	۱۶/۳	استفاده از دانش و تجربه در تصمیم‌گیری
۱/۱	۳/۴۲	۵/۹	۸/۷	۲۳/۹	۳۷/۵	۲۳/۶	تصمیم‌گیری دانشی و عاقلانه مسئولان در مورد کارشان در زمینه مهاجران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان گونه که از جدول شماره ۵ دریافت می شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر شاخص تصمیم گیری، بیشتر گویه ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده است که نشاندهنده استفاده کم از تجربه و دانش مهاجران بود و بیشتر تصمیم گیریها توسط مسئولان صورت می گیرد. با توجه به نتایج پنج ویژگی که نام برده شد به طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص تصمیم گیری مسئولان خود را با میانگین ۱/۶۸ مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی کرده اند؛ یعنی مسئولان از نظر شاخص تصمیم گیری سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش با کدام یک از سبکهای چهارگانه مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، طبق نظر لیکرت به بررسی سه ویژگی طی سه سؤال از پرسشنامه پرداخته شده است.

جدول ۶. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص اهداف اجرایی و آموزش

انحراف معیار	میانگین	درصد				گویه ها	
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد		
۱/۱۱	۳/۶۴	۴/۸	۱۰/۱	۱۶/۳	۳۵/۵	۳۲/۲	پیگیری اهداف اجرایی مؤثر
۱/۱۴	۳/۸۲	۸/۵	۱۵/۸	۱۸/۹	۴۰/۳	۱۶/۶	بهره گیری از آموزشهای مورد نیاز
۱/۱۸	۳/۴	۸/۵	۱۱/۳	۲۶/۸	۳۶/۹	۱۶/۶	وجود منابع آموزشی مناسب

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

همان گونه که از جدول شماره ۶ دریافت می شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر اهداف اجرایی و آموزشی، بیشتر گویه ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده است. به طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش مسئولان خود را با میانگین ۲/۳۱ مطابق با سبک دو لیکرت و تا حدودی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده اند؛ یعنی مدیریت مسئولین از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و تا حدودی به سبک مشورتی متمایل است.

بنابراین به طور کلی باید بیان کرد که از سنجش پنج شاخص مورد بررسی هیچ کدام در جایگاه ۳ یا بیشتر قرار نداشت و بیشتر بین ۲ تا ۳ و یک مورد یعنی تصمیم گیری از ۲ کمتر است؛ بنابراین نتایج مشخص می کند که سبک و چگونگی مدیریت آن در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولان و برخورد با مهاجران بازگشتی حاکم باشد و همواره به نظر می رسد که در پایان هر اقدام مؤثر

برخوردی از نظر مهاجران در جهت بهبود چگونگی اجرا و تأثیرگذاری مؤثرتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بالاتر کشاند و از آن به منظور بهبود کارایی گام برداشت و بتوان از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی کرد و بتوان شاخصهای خیرخواهانه و مشورتی را به کار بست تا به قسمت مشارکت در مباحث پیش رویم و از نظر مهاجران استفاده بهینه را برد؛ چرا که توجه به مهاجران و تأثیرگذاری بر مهاجران یکی از مهمترین عوامل پایداری هر جامعه و هر مبحثی است.

بین شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت همه جانبه مهاجران چه رابطه‌ای هست؟

برای پاسخ به این پرسش یعنی چگونگی ارتباط بین دو متغیر سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران از آزمون همبستگی استفاده شده و به دلیل اینکه هر دو متغیر کمی است، آزمون همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۷. ارتباط بین شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت روحی - معنوی مهاجران

		سبک مسئولان	رضایت مهاجران
شیوه برخورد با مهاجران	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۴۵
	سطح معناداری	-	۰/۰۰۱
	تعداد	۱۵۰	۱۵۰
رضایت مهاجران	همبستگی پیرسون	۰/۶۴۵	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
	تعداد	۱۵۰	۱۵۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است در بررسی ارتباط بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران، ضریب همبستگی پیرسون با عدد ۰/۶۴۵ برابر است. وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشاندهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر بین میزان سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران ارتباط مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، بیانگر این است که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است؛ بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد.

نتیجه گیری

از مسائل مهم در دوران بعد از فاجعه‌ها از جمله جنگها، مسئله بازسازی ویرانیه‌ها و هم‌چنین برپایی حیات اجتماعی در جامعه آسیب‌دیده است و اینکه چگونه می‌توان زمینه بازگشت مهاجران را به این مناطق جنگ‌زده فراهم کرد. یکی از عوامل اثرگذار بر تشویق مهاجران روستایی به بازگشت به مناطق جنگ‌زده، پرداختن به بررسی نقش مدیریت روستایی در این زمینه است. جنگ تحمیلی عوارض بسیار زیادی را بر کشور بویژه نواحی مرزی کشور وارد کرد که این امر سبب مهاجرت‌های گسترده‌ای از سطح شهرها و روستاهای شهرستانهای مرزی کشور شد. در سالهای اخیر، اقدامات بسیار زیادی برای بازگشت مهاجران به خانه‌ها و شهرها و روستاهای خود شده است که این امر نیازمند بررسی کلی برای بازگرداندن مهاجران بوده که یکی از این عوامل شوق و انگیزه بین مهاجران برای بازگشت است. یکی از الگوهای مورد بررسی به منظور بازگشت مهاجران، که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به شاخه مدیریت برخورد و تعامل برمی‌گردد، شاخصهای هشت گزینیه‌ای لیکرت است.

براساس نتایج تحلیل پرسشنامه‌ها می‌توان گفت نخستین شاخص بررسی‌شده در پژوهش، شاخص مدیریت بود که مهاجران بازگشتی جنگ‌زده شهرستان سرپل‌ذهاب سبک مدیریت روستایی مسئولان خود را با میانگین ۲/۵۵، با سبک سه لیکرت و به سبک دو لیکرت بسیار متمایل ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و به سبک آمرانه-خیرخواهانه بسیار متمایل است. دومین شاخص، میزان انگیزش مهاجران بازگشتی است که به‌طور کلی با میانگین ۲/۴۷ مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص انگیزش سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی بسیار متمایل است. سومین شاخص برخورد و نفوذ است که مهاجران بازگشتی سبک مدیریت روستایی مسئولان خود را با میانگین ۲/۴۱ مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص برخورد - نفوذ، سبک آمرانه-خیرخواهانه و به سبک مشورتی متمایل است. شاخص چهارم تصمیم‌گیری است که مهاجران از نظر شاخص تصمیم‌گیری با میانگین ۱/۶۸ مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مسئولان از نظر شاخص تصمیم‌گیری سبک آمرانه - خیرخواهانه است. شاخص پنجم، اهداف اجرایی و آموزش مسئولان است که با میانگین ۲/۳۱ مطابق با سبک دو لیکرت و تا حدودی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و تا حدودی به سبک مشورتی متمایل است.

آخرین فرضیه این پژوهش، ارتباط سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده و رضایت مهاجران است که در این بررسی ضریب همبستگی پیرسون برابر با عدد ۰/۶۴۵ است.

وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشاندهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر بین میزان سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران ارتباط مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، بیانگر این است که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است؛ بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد. بنابراین نتایج پژوهش نشاندهنده این بود که سبک مدیریت و چگونگی مدیریت آنها در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولان و برخورد با مهاجران بازگشتی به مناطق جنگزده حاکم باشد و همواره به نظر می‌رسد که در پایان هر اقدام مؤثر برخوردی از نظر مهاجران بازگشتی به منظور بهبود چگونگی اجرا و تأثیرگذاری عمیقتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بالاتر برد و از آن به منظور بهبود کارایی گام برداشت و بتوان از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی کرد و بتوان شاخصهای خیرخواهانه و مشورتی را به کار بست تا به قسمت مشارکت در مباحث پیش رویم و از نظر مهاجران استفاده بهینه را برد؛ چرا که توجه به آنان و تأثیرگذاری بر مهاجران یکی از مهمترین عوامل پایداری هر جامعه و هر مبحثی است؛ بنابراین باید شاخصهای تصمیم‌گیری و نیز اجرایی و آموزشی بهبود یابد تا بتواند ایجاد انگیزه، و زمینه بازگشت مهاجران را فراهم کند. البته شاخص انگیزش و پیامد و ابعاد آن نیز بسیار مهم است که این عوامل باید شناسایی شود تا زمینه تشویق بازگشت مهاجران را فراهم سازد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سیداحمد؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۸۷). نقش و اثرات انجمن‌های زادگاهی بر توسعه روستایی روستای دربان. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*. ش ۱.
۲. احمدی‌شاپورآبادی، محمدعلی؛ تقدیسی، احمد (۱۳۹۱). مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی. *تحقیقات جغرافیایی*. دوره ۲۷. ش ۱. پیاپی ۱۰۴.
۳. افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین (۱۳۸۱). دهیاری‌ها و مدیریت توسعه پایدار روستا، *مجله دهیاری‌ها*. س اول. ش ۲.
۴. اکبری، غضنفر؛ عبدالهی، مجید (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری*. تهران: انتشارات قلمستان هنر.
۵. امین‌صاری، نوذر (۱۳۷۷). جنگ، مهاجرت تحمیلی و سامان فرهنگی. نامه پژوهش. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ویژه دفاع مقدس*. س سوم. ش ۹.
۶. الوانی، مهدی (۱۳۷۷). *مدیریت عمومی*. تهران: نشر نی.

۷. بزی، خدارحم، هدایتی (۱۳۸۹). صلاح، روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی مطالعه موردی منطقه سیستان. **فصلنامه روستا و توسعه**. س ۱۳. ش ۳.
۸. بدری، سیدعلی (۱۳۸۸). مدیریت نوین روستایی. تهران: مؤسسه فرهنگی اشتیاق.
۹. حیدری فر، محمدرئوف؛ رضایی، ناصر (۱۳۹۳). نیازمندیهای امنیتی و مطالبات استان کرمانشاه در جهت بهبود کنترل مرز. **مجله سپهر**. دوره بیست و سوم. ش ۸۹.
۱۰. حقیقی، محمدعلی (۱۳۷۸). **نظریه‌های مدیریت، اصول، مبانی، فرایند**. تهران: نشر نقش مهر.
۱۱. دربا آستانه، علی‌رضا (۱۳۸۹). مدیریت روستایی در برنامه چهارم. **مجله دهیاری**. س سوم. ش ۱۵.
۱۲. دانشور کاخکی، محمود؛ عاقل، حسن؛ هاتف، حکیمه؛ سروری، علی‌اکبر (۱۳۸۸). نقش مدیریت در عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان خراسان رضوی. **فصلنامه روستا و توسعه**. دوره ۱۲. ش ۴.
۱۳. دریاباری، جمال‌الدین. (۱۳۸۶). بررسی پدیده مهاجرت و بازگشت جمعیت در مناطق جنگزده استان خوزستان. **فصلنامه جمعیت**. ش ۶۱.
۱۴. رستمعلی زاده، ولی‌الله؛ قاسمی‌اردهالی، علی (۱۳۹۱). آثار و پیامدهای جمعیتی - اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران. **پژوهشنامه دفاع مقدس**. س اول. ش ۲.
۱۵. رضائیان، علی (۱۳۹۱). **اصول مدیریت**. چ دوم. تهران: انتشارات سمت.
۱۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**. تهران: قومس.
۱۷. روزنامه کیهان. **مناطق جنگزده**. ش ۱۱۶۴۵. مرداد ماه ۱۳۶۱.
۱۸. زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰). **مهاجرت**. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. صابری فر، رستم (۱۳۸۱). سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی و برنامه‌ریزی روستایی، **سپهر**. دوره یازدهم. ش ۴۱.
۲۰. طالب، مهدی (۱۳۷۷). شورای اسلامی روستایی: کارکردها، تنگناها. **مسکن و انقلاب**. ش ۸۴.
۲۱. طالب، مهدی (۱۳۷۵). **مدیریت روستایی در ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی - شهری. **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**. ش ۶۲.
۲۳. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۸). **تدوین الگوی مشارکت شهروندان در امور شهرها**. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۴. فیروزنیا، قدیر؛ جاسمی، الهام؛ قرنی‌آرانی، بهروز (۱۳۹۵). تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین. **مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی چشم‌انداز جغرافیایی**. دوره ۱۱. ش ۳۷.
۲۵. فیروزنیا، قدیر؛ افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین (۱۳۹۲). تحلیل تداوم کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین. **فصلنامه فضای جغرافیایی**. س سیزدهم. ش ۴۱. بهار.

۲۶. قدیری معصوم، مجتبی؛ ریاحی، وحید (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالشهای مدیریت روستایی در ایران. فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی. ش ۵۰.
۲۷. مجله جهاد، اشاره‌ای کوتاه به شیوه ترمیم روستاهای جنگزده (بازسازی یا نوسازی). ش ۳۶. مرداد ماه ۱۳۶۱.
۲۸. نرگسی قاسمی، حسین؛ استعلاجی، علیرضا؛ فلاح‌تبار، نصرالله (۱۳۹۶). بررسی میزان رضایت روستائیان از عملکرد مدیران محلی در شهرستان صومعه‌سرا. فصلنامه جغرافیای برنامه‌ریزی منطقه‌ای. س هفتم. ش ۲. بهار.
۲۹. نعمتی، سیدمرتضی؛ بدری، سیدعلی (۱۳۸۶). ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ - مطالعه موردی: استان گلستان. مجله پژوهشهای جغرافیایی. ش ۵۹.
۳۰. لشنی‌پارسا، روح‌الله (۱۳۸۵). ارزیابی اثربخشی عملکرد دهیاری‌های شهرستان بروجرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- 31- Coates, B. E., Johnston, R. J. and Knox, P. L. (1977) Geography and inequality, Oxford University Press, London, 56(2) pp.238-259.
- 32- Cleavar Kevin,(1997), Rural development strategies, for poverty reduction and environmental production in sub- sahran Africa,the world Bank Washington DC.
- 33- Lau, C. and Ngo, H. (2004) The HR system, organizational culture, and product innovation. International Business Review 13(6): 685-703
- 34- Mosley, M, (2003), Sustainable rural development: The role of community involvement and local partnership.
- 35- Sriram, M.S, (2007), Rural management education in India: A retrospect, Indian Institute of Management Ahmedabad
- 36- Whyte, w. *the social life of small urban spaces*, Washington, D.C: The conservation foundation. 1980
- 37- Yarwood, R, (2002), Parish councils, partnership and governance: the development of exceptions housing in the englan, journal of rural studies, 18, pp. 275-291.
- 38- <http://www.mohsenifoundation.org/article/bastan-shenasi-e-jang/>
- 39- <http://www.bazideraz1404.ir/node/130118>